روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۷ شهریور ۱۳۹۵ • ۲۵ ذی‌القعده ۱۴۳۷ • ۲۸ آگوست ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۶۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۵ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

سیربمال

● **پوریا عالمی:** اولش این‌قدر بود؛ قدر نوک انگشت. از زیر گلوم شروع کرد به ریختن. رفتم دکتر روان‌پزشک و گفتم ریخت. گفت چیزی نیست. بهش می‌گویند ریزش سکه‌ای. خودش درمی‌آید، اما خودش درنیامد. الان این‌قدر ریخته که از حالت سکه‌ای خارج شده و تبدیل شده به اسکناسی. قدر یک هزارتومانی زیر گلو و روی صورتم مو ریخته.

درمطب: دکتر گفت: عصبی است. ریلکس کن درمی‌آید.گفتم: اگر می‌توانستم ریلکس کنم که نمی‌ریخت. دکتر گفت: کمتر عصبی شو. خودت‌رو کنترل کن. گفتم: باشه. از این به‌بعد که از خانه خارج می‌شوم و می‌زنم وسط این‌همه هیاهو و دود و بوق و دروغ، ماشین خواست زیرم بگیرد یا رئیسم حرف مفت زد یا مرئوسم حرف درشت زد یا تیترهای این‌همه جنگ و تورم و بدبختی را توی خاورمیانه خواندم، سریع دراز می‌کشم کف زمین وسط خیابان و شاواسانا می‌کنم و شروع می‌کنم به یوگا تا ذهنم آرام شود. دکتر گفت: فکرت عالی است. حتما در مواجهه با مشکلات، کف خیابان یا اداره شاواسانا کن و خودت را آرام کن. گفتم: ببخشید تیکه انداختم.

در روزنامه: دیروز هم آمدم روزنامه. بچه‌ها گفتند اوه‌اوه... تو هم؟ گفتم من هم چی؟ گفتند تو هم عصبی می‌شوی و موهای صورتت می‌ریزد؟ گفتم: والا با این فشاری که من توی این سال‌ها تحمل کرده‌ام، همه‌چیزم قبلا ریخته بود. منتها الان زده به صورتم و به چشم شما می‌آید. بچه‌ها گفتند: اصلا باورمان نمی‌شد تو هم استرس بگیری. توروبه‌خدا دوتا از ماجراهای سوفیا و میدون‌رو بنویس بخونیم بخندیم. گفتم: طنزنوشتن شغلم است. ربطی به حال درونی‌ام که ندارد. سنگ که نیستم. بچه‌ها گفتند: قاه‌قاه‌قاه... مردیم از خنده... چقدر بانمکی... توروبه‌خدا یه چیز دیگر بگو بخندیم... .

سیربمال: رفته بودم بازار، خیارشور بخرم. ما خانوادگی معتقدیم توی بازار همه‌چیز ارزان‌تر است. به‌همین‌دلیل ۵۰هزارتومان خرج می‌کنیم برسیم بازار که دوهزارتومان ارزان‌تر بخریم. خلاصه توی بازار به یارو گفتم خیارشور داری؟ گفت: سیر بمال. گفتم: جان؟ گفت: اونجاها که ریخته‌رو میگم. واسه من هم ریخته بود. سیر مالیدم. فقط زیاد نمال. یه‌طوری بمال که دربیاد. یه‌طوری نمال که بسوزه. قلق داره. می‌خوای برات بمالم؟ گفتم: نه خیلی ممنون. ترجیح می‌دهم درنیاید.

وصیت: سوفیا... ! آن وقتی که من شیری بودم و یال و دمی داشتم، جلو بابات موش می‌شدم. حالا به بابات بگو: میدون دوم از دست بابای سوفیا یال و پرش ریخت، خوبش شد؟

کارتون خواب

علی جهانشاهی

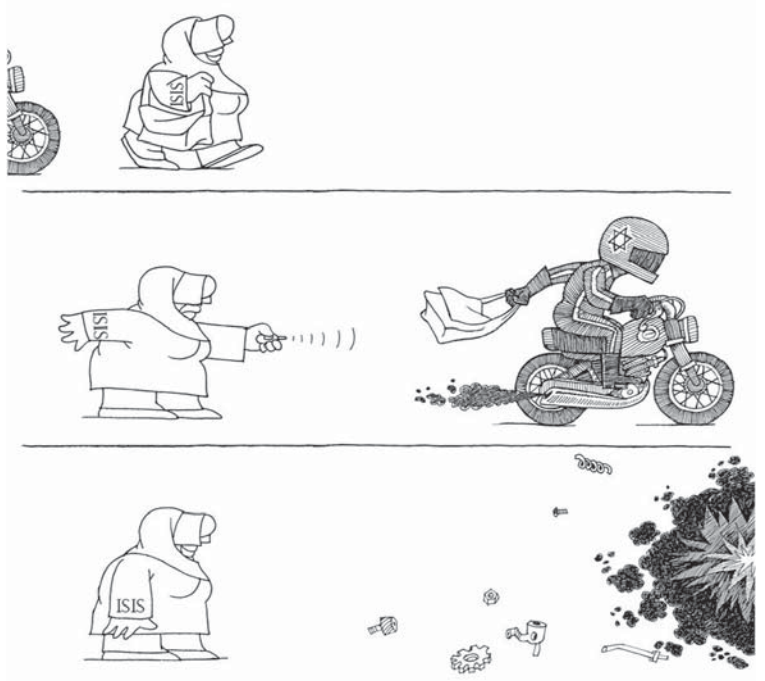

یادداشت

شورا برای بچه‌های تهران

جمشید بایرامی

احمد مسجدجامعی، متولد تهران با بیش از ۳۰۰ سال زندگی خانوادگی در تهران، وزیر اصلاحات، رئیس موزه قرآن و عضو مهم شورای شهر تهران است. وزیر فرهنگ سابق در خیابان فرهنگ محله امیریه زندگی می‌کند؛ مردی از جنس شیشه است: هم درونش پیداست و هم برونش. اهل هیأت و تکیه، اهل کوچه و بازار، اهل دل، اهل هنر و قرآن. ارتباطات خوبی با مردم و هنرمندان دارد، نه با رانت، نه وام، نه با فیش‌های حقوق نجومی. به بالای شهر کوچ نکرده، به ریشه خود وابسته است زیرا ریشه‌دار به فرهنگ دینی خود احترام می‌گذارد، چون در خیابان فرهنگ امروز زندگی می‌کند، نه دنبال پست و مقامی است زیرا همه را داشته است. در شورای شهر هم حرف چرت نمی‌زند. از روزی که برنامه تهران‌گردی را به راه انداخت، بیشتر و نزدیک‌تر به مردم بود تا با مشکلات آنها آشنا شود؛ با عملکرد مدیران شهرداری از نزدیک آشنا شود تا بتواند با آگاهی و شناخت به شورا گزارش دهد.

به همین دلیل میان مردم رفت و مردم هم استقبال کردند و خوشحال شدند که عضو مهم شورای شهر به حرف آنها گوش می‌دهد و تا حد توان به حل مشکلات مردم می‌پردازد، نامه می‌دهد و سفارش و توصیه می‌کند. حضور مسجدجامعی در برنامه تهران‌گردی باعث شد عکس‌های زیادی از مناطق مختلف تهران تهیه شود و آرشیو خوبی بماند برای تحقیق و مطالعه کارشناسان و دانشگاه‌ها بدون یک ریال هزینه و من به‌عنوان یک عکاس حرفه‌ای می‌دانم چقدر زمان و انرژی و هزینه برای تولید این عکس‌ها صرف می‌شود و نتیجه تولید این همه عکس چند جلد کتاب شده و خواهد شد. مسجدجامعی با مدال‌هایش برای خود، موقعیت درست نکرده است؛ زیرا در پست سیاسی از بالا به پایین آمده است و این از تواضعش است. ایشان مردم را به خیابان بهشت می‌برند، ولی گروهی از اعضای شورای شهر خیابان بهشت را برای منافع خود به بهشت تبدیل کرده‌اند. امیدوارم در انتخابات سال آینده، شورای شهر به دست بچه‌های تهران بیفتد و گروهی دیگر به شورای شهرهای خود بازگردند و گروهی ورزشکار برای خدمت به کشور به جامعه ورزشی برگردند.

ان‌شاءالله

یادمان نرود

نقش پفک ماهی در اقتصاد پسابرجام ایران چیست؟

آزاده تاج‌علی: نوشتن درباره فواید و مضرات هر موضوعی، از قدیم جزء جدانشدنی و کار سازمانی گروهی از دبیران، حکیمان و فلاسفه بوده است؛ اما به‌تازگی خبری در مضرات یک موضوع مهم خوانده‌ام که نمی‌شود از لطف بازگوکردن آن گذشت.

در حال جست‌وجوی اخبار برای فواید توربین‌های گازی ساخت داخل بودم که در ستون کناری متن سنگینی که مطالعه می‌کردم، یک گزارش خبری پربیننده در نسیم، دیدم: اعتراض ۴۰ فعال اقتصادی به دستاوردهای ناچیز برجام. یعنی متنی درباره مضرات برجام. به عادت معلمی، فقط توانستم دو ایراد از تیترنویس بگیرم که در تیتر صفت نمی‌آورند و دستاورد ناچیز تضاد و تناقض دارد. اگر دستاورد است که بی‌چیزش هم مثبت است، اگر دستاورد نیست که چرا اذعان دارید به دستاوردبودنش؟ کنجکاو شدم که گزارش ناامیدکننده را بخوانم و با بازکردن لینک دیدم یک جدول رنگارنگ هم پیوست دارد. با دست جلو چشمانم را گرفتم که ای وای اکنون نام ۴۰ فعال اقتصادی ردیف اول را خواهم دید که به‌تازگی به کمپین چندشنبه‌ها پیوسته‌اند؛ یعنی صادقانه بگویم دست‌کم نام کاندیدای اصولگراهای تهران برای نمایندگی مجلس را ندیده، مرور کردم در ذهنم؛ اما با گشودن چشم‌هایم احساس غریبی یافتم. نام‌هایی می‌دیدم که حتی یک بار از آنان حرفی نشنیده بودم؛ یعنی اگر نام رئیس محترم صنف آجیل‌فروشان تهران را می‌دیدم، غریب نبود؛ زیرا مردم دست‌کم در ایام عید نام دوست‌داشتنی وی را بسیار می‌شنوند و به‌عنوان بازرگان یا تاجری که خبرنگاران محترم نسیم با مشقت فراوان در قالب کار سخت و زیان‌آورشان نزد او بروند و اعتراض جمع کنند، کارشان مقبول است.

جالب است که خبرنگاران محترم به خود زحمت نداده‌اند که تصور کنند خبرنگاران بسیاری باید حاصل یک عمر تلاش آنان برای کوباندن برجام را بخوانند، کنجکاو شوند و به سراغ گوگل بروند. جالب‌تر است که با توجه به انتشار رسمی عناوین این عزیزان، سِمت دو معترض بنام این جدول رنگارنگ را با هم مرور کنیم؛ زیرا مشت نمونه خروار است.

● در نام اول جدول که خبرنگاران نسیم سراغ عضو اتاق شیراز رفته‌اند، با دو ثانیه تأمل پای بازشدن نتیجه جست‌وجوی گوگل به این سمت تأثیرگذار می‌رسیم: عضو علی‌البدل انجمن ملی خرما. با نهایت آزرم و احترام به تمام هم‌وطنان زحمتکش دخیل در عرصه خرمای کشور، اگر سراغ مراعات‌النظیر برویم؛ اینکه چرا در رأس جدول نام این عضو محترم و تأثیرگذار در اقتصاد کشور آمده است، جای تأمل دارد و آیا اصولا از برجام انتظار می‌رفت که واردات خرما کاهش یا صادرات خرما افزایش پیدا کند؟ مصرف خرما به جای قند شاید در کاهش ابتلا به دیابت تأثیرگذار باشد؛ اما عقلانی است که برای محک عیار برجام به‌عنوان امر ممدوح در سخنان بزرگان کشور، خبرنگاران فکور نسیم مزاحم وقت این عضو علی‌البدل شوند؟

● جست‌وجو درباره عضو دیگر هم این نتیجه را در بر داشت: مدیرعامل شرکت پُفیش. گاهی فقط از روی برخی نام‌ها می‌توان حق را از باطل جدا کرد. با دیدن نام پف روی یک شرکت معتبر، جرقه‌ای در ذهنم زده شد که پای یک کارآفرین دولت پیشین در میان است. چیزی نیست. پف است که می‌خوابد؛ اما به قول اینستاگرامی‌ها قضاوت نکردم، بر شیطان لعنت فرستادم و ایمیج‌گوگل را باز کردم تا از قضاوت سرسری خود پشیمان شوم و ببینم که مدیرعامل نام‌برده نقش بسزایی در اقتصاد پسابرجام ایران دارد و در عرصه‌ای مؤثر فعالیت می‌کند. عکس کوچکی به تاریخ سال ۸۹ باز شد. مدیرعامل مذکور غرق در لبخند کنار رئیس‌جمهوری وقت داشت جایزه کارآفرینی می‌گرفت. شرکت مؤثر او پفک ماهی تولید می‌کند. در توضیح پُفیش آمده است: نوعی اسنک ماهی. جذاب‌تر اینکه در فهرست افتخارات شرکت درج شده است: گواهینامه ایزو ۲۰۰۸. حال اینکه یک فعال اقتصادی بدون جناح هم بخواهد از سر تجربیات ارزشمندش درباره پفک ماهی به نتیجه ناچیزبودن دستاورد برجام برسد و نامش را با افتخار در اخبار ضددولت ثبت کند تا چه حد منطقی است؟ باید از خبرنگاران نسیم پرسید.

سلام به فردا

پاسخ‌گویی مسئولان، وظیفه فراموش‌شده

آذر منصوری

سنگ‌بنای انقلاب اسلامی ایران توجه به حقوق مردم بود. برای تأمین این حقوق، گردش آزادانه اطلاعات، پرسشگری مردم و در نتیجه پاسخ‌گویی دولت‌ها جزء شروط اولیه است. علاوه‌براین پرسشگری و پاسخ‌گویی مبنای حکمرانی خوب محسوب می‌شود. برهمین‌اساس فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو از آزادبودن اطلاع‌رسانی صحبت می‌کند و از سوی دیگر بر ضرورت پاسخ‌گویی مسئولانی که مستقیما یا با واسطه از سوی مردم انتخاب می‌شوند، تأکید دارد. همان‌طور که اشاره شد، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و پرسشگری مردم از یک طرف و پاسخ‌گویی مسئولان از طرف دیگر برای احقاق حقوق شهروندان که در قانون اساسی تصریح شده‌اند ضروری است. علاوه‌براین پرسشگری و پاسخ‌گویی اصلی‌ترین راهبرد مبارزه با فساد و رعایت عدالت است که خود از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بوده. ازهمین‌رو سرپوش‌گذاشتن یا پاک‌کردن صورت‌مسئله‌هایی که جزء سؤالات ملت است، نه‌تنها عملی برخلاف قانون و مبانی انقلاب اسلامی است که به دامن‌زدن شکاف بین دولت و ملت منجر می‌شود. بنابراین برای محقق‌کردن حکمرانی خوب در کشور باید به الزامات پرسشگری و پاسخ‌گویی تن دهیم و آن را تأمین کنیم. تجربه چهار دهه گذشته نیز نشان می‌دهد پرسشگری و پاسخ‌گویی در طول این زمان با فرازوفرودهایی همراه بوده است؛ فرازوفرودهایی که نشان می‌دهد هر زمان سؤالات مردم بی‌پاسخ مانده است، بی‌اعتمادی تشدید شده و آنها پاسخ سؤالاتشان را از مجاری‌ای گرفته‌اند که لزوما دغدغه منافع ملی را نداشته و ندارند. امروز نتیجه اوج این رویکرد سلبی و بستن راه‌های پرسشگری که در هشت سال دولت‌های محمود احمدی‌نژاد اتفاق افتاد، به شکل اخبار متفاوت فساد قابل‌مشاهده است.

با این مقدمه می‌توان به اخباری که در روزهای اخیر درباره اعضای شورای شهر و شهرداری تهران منتشر شده است، اشاره کرد. به‌موجب قانون، شوراهای اسلامی شهر و روستا، از دموکراتیک‌ترین نهادهای کشور هستند که وظیفه اصلی آنها نظارت بر سازوکارهای اداره شهرها در راستای توزیع عادلانه منابع است. ازهمین‌رو تشکیل این شوراها در دولت اصلاحات مورد توجه ویژه قرار گرفت و تلاش شد با تشکیل آنها از یک‌سو و سپس تشکیل نهادهای دموکراتیک خردتر؛ یعنی شورایاری‌ها مسئله نظارت و پرسشگری تعمیق شود. متأسفانه به‌جز دوره چهارساله ابتدایی تشکیل این نهاد، در دوره‌های بعدی این مهم‌ترین وظیفه شوراها مورد توجه قرار نگرفته است و امروز در شرایطی هستیم که حتی خود این نهاد که باید بر بودجه شهرداری تهران که برابر با برخی از بزرگ‌ترین کلان‌شهرهای دنیاست، نظارت داشته باشد، متهم است که در اموال عمومی دخل‌وتصرف کرده است. معتقدم اگر امروز مهم‌ترین وظیفه شوراهای شهر و روستا و ازجمله شورای شهر تهران که نظارت و پرسشگری است، نادیده انگاشته شده، دلیلش را باید در برخورد سیاسی با این نهاد جست‌وجو کرد که در سه دوره اخیر این شورا شاهدش بوده‌ایم؛ به شکلی که زمینه پرسشگری بین مردم و شورا از یک‌سو و شورا و شهرداری از سوی دیگر امروز از دست رفته است. یکی از مهم‌ترین قدم‌هایی که می‌توان در راه ایجاد پرسشگری در میان مردم برداشت، استفاده از ظرفیت شورایاری‌ها و شوراهای شهر است. با استفاده‌نکردن از این ظرفیت‌ها، پرسشگری و در نتیجه تأمین عدالت همواره به تعویق خواهد افتاد.

گزارش فردا

پوشش؛ عامل تروریسم یا مانع افراط‌گرایی

چندی‌پیش استفاده از برقع در آلمان ممنوع شد. پیش‌تر استفاده از لباس‌های پوشیده شنا (بورکینی) در برخی شهرهای فرانسه ممنوع شده بود. اما چه چیز استفاده از برقع و پوشش کامل صورت و بدن را در برخی کشورهای اروپایی به مبحثی مجادله‌آمیز تبدیل کرده است؟ در میان مباحثی که طرح می‌شود از یک طرف زیرسؤال‌رفتن آزادی و از طرف دیگر ترس از افراط‌گرایی دیده می‌شود. به گزارش «سی‌ان‌ان» در قانونی که در این زمینه منتشر شده، حملات تروریستی به شهرهای مختلف فرانسه در سال‌های اخیر دلیلی خوانده شده که می‌تواند پوشیدن بورکینی را با ترس و وحشت همراه کند و نظم عمومی را بر هم بزند. اگرچه «پیر ویونی»، شهردار شهر سیسکو می‌گوید این موضوع هیچ ربطی به نژادپرستی ندارد. پس از این اقدام «توما دو مزیر»، وزیر کشور آلمان اعلام کرده است پوشیدن کل صورت در مکان‌های عمومی مثل ادارات دولتی و مدارس که نیازمند تشخیص هویت افراد است، ممنوع است. او تأکید کرده منظورشان از پوشش کامل صورت، برقع نیست. اگرچه صاحب‌نظران می‌گویند این قانون عملا پوشیدن برقع را ممنوع می‌کند. وزیر کشور آلمان دلیل این اقدام را «متناسب‌نبودن پوشش کامل صورت با فرهنگ این کشور» اعلام کرده است. قبل از آلمان، فرانسه و بلژیک استفاده از برقع را ممنوع کرده بودند. با این حال بسیاری از صاحب‌نظران با این اقدام مخالف هستند. «سارا سیلوستری»، استاد دانشگاه لندن معتقد است این نوع منع‌کردن پوشش، بهانه را دست گروه‌های افراطی قرار می‌دهد تا علیه کشورهای غربی وارد عمل شوند و این به افراط‌گرایی دامن می‌زند: «القاعده و داعش هر بار حقانیت خود را با قوانینی نظیر این ثابت می‌کنند و می‌گویند غرب در حال بدنام‌کردن مسلمانان است». او همچنین معتقد است برخلاف آنچه مسئولان و مقامات فکر می‌کنند، این قوانین باعث هم‌رنگ‌شدن مسلمانان در جامعه آنها نمی‌شود: «دقیقا برعکس؛ وضع چنین قوانینی باعث می‌شود مسلمانان به حاشیه بروند. آنها وقتی با قوانینی برخورد می‌کنند که اعتقادات آنها را هدف قرار داده است، در جامعه احساس جداافتادن می‌کنند و حتی شاید میل بیشتری به پیوستن به گروه‌های افراطی پیدا کنند که در آنها با همان اعتقاداتی که دارند پذیرش می‌شوند».

بااین‌حال به نظر می‌رسد قدغن‌کردن استفاده از برقع و بورکینی تأثیر عکس دارد. «احده زینتی»، طراح استرالیایی-لبنانی بورکینی، به خبرگزاری فرانسه گفته است که پس از این قانون و فقط در یک روز، ۶۰ درخواست اینترنتی خرید بورکینی داشته است؛ آن هم نه از سوی مسلمانان بلکه از سوی غیرمسلمانان. این در حالی است که پیش از این در هر روز فقط سه، چهار سفارش داشته است. زینتی می‌گوید یکی از دلایل اصلی خرید این لباس از سوی غیرمسلمانان، نقش محافظتی است که بورکینی در مقابل نور آفتاب دارد.

از سوی دیگر «رشید نقاز»، میلیاردر فرانسوی هم که سال ۲۰۱۰ بیش از دو میلیون یورو به زنانی پرداخت که به‌خاطر پوشیدن برقع مجبور به پرداخت جریمه بودند، بار دیگر به حمایت از آنها برخاسته است. نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ در فرانسه گفته است: «حتی اگر در این راه بمیرم هم از زنان مسلمان دفاع می‌کنم تا بتوانند لباسی را که دوست دارند بپوشند». او که پیش‌تر کمپینی با نام «کاری به اعتقادات من نداشته باشید»، در دفاع از زنان مسلمان به راه انداخته بود، اضافه کرد: «منع پوشیدن برقع در آلمان و فرانسه مخالف آزادی است». او برای اینکه دفاع خود را از زنان برقع‌پوش نشان دهد، ماه گذشته در یکی از شهرهایی که قانون منع پوشیدن برقع وضع شده، در کنار یک زن با برقع راه رفت. این موضوع باعث بحث‌های متفاوتی در روزهای اخیر در میان افکار عمومی شده است.